



چگونه می توان علاقه دانش آموزان را به درس عربی بیشتر کرد؟

نادر بهرام^۱

چکیده

در طول سال‌های متمادی، درس عربی همواره جزو دروسی بوده است که دانش‌آموزان رغبت و علاقه خاصی برای یادگیری آن نداشته و در مقایسه با درس انگلیسی _ بعنوان زبان آموزشی دیگر در مدارس ایران _ آینده‌ای را برای زبان عربی متصور نبوده‌اند. در طول چندین سال تدریس در مدارس مختلف و کلاس‌های متفاوت، بنده این بی‌انگیزگی در میان شاگردان را کاملاً از نزدیک دیده‌ام که نتایج نامطلوبی را نیز در وضعیت تحصیلی آنها به همراه داشته است. همانطور که می‌دانید آموزش و یادگیری یک فرآیند منظم است که به موجب آن لازم است، بعد از تزریق انگیزه و علاقه به دانش‌آموزان از شیوه‌های جذاب و فعال، تدریس مؤثر و کارآمد استفاده گردد. موفقیت در این زمینه، نیاز به امکانات و شرایط از قبل آماده شده دارد. استفاده از فضای شاد کلاس، ارتباط دوستانه بین مربی و متربیان، دانش‌آموزان کنجکاو را مشتاق دانش نموده و همواره راه را برای یادگیری پایدار، آسان می‌نماید؛ به‌ویژه اگر در استفاده از این روش‌ها، خلاقیت و بازی چاشنی کار قرار گیرد. پژوهش حاضر به منظور رفع موانع و سهولت یادگیری درس عربی صورت گرفته است. نگارنده در این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی مبتنی بر اقدام در عمل به این نتیجه می‌رسد که با بکارگیری شیوه‌های مزبور در بالا می‌توان علاوه بر تغییر دیدگاه دانش‌آموزان به درس عربی، آموزشی مؤثر و پایدار و بالتبع نتایج مناسبی در پایان سال تحصیلی کسب کرد.

واژه‌های کلیدی: دانش‌آموزان، انگیزه، یادگیری، درس عربی.



۱. مقدمه

مهم‌ترین هدف رسالت پیامبران به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام (ص) تعلیم و تربیت انسان‌ها بوده است. ترقی و تکامل تمدن انسان‌ها معلول و نتیجه‌ی تعلیم و تربیت است. تربیت فرزند با همه‌ی سادگی و طبیعی بودن از کارهای دشوار و مسؤولیت‌های سخت و سنگین است که این امر در وهله اول به دست والدین در محیط خانواده و سپس در محیطی بزرگتر و در بستر مدرسه بصورت آموزش و پرورش توسط مربیان در زمینه‌های مختلف صورت می‌گیرد. اهمیت موضوع تعلیم و تربیت به قدری است که الله متعال بعد از نامگذاری سوره‌ای از قرآن به نام قلم با تاکید و قسم در اولین آیه آن می‌فرماید: ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (قلم / ۱) نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند. کسانی که اندک آشنایی با زبان عربی دارند می‌دانند که هر کجا جمله‌ای دارای مفهوم و محتوای مهمی باشد، برای گفتن همراه با تاکیدش از آرایه‌ی قسم استفاده می‌شود تا شنونده علاوه بر پی بردن به اهمیت موضوع بدانند شکی در آن نیست. (بدیع یعقوب، ۱۹۸۸، ۵۲۲) این آیه ارزش علم‌آموزی را نشان می‌دهد.

همه ما می‌دانیم که علوم و شاخه‌های آن‌ها، دارای تنوع بسیار زیادی هستند و درس عربی نیز یکی از دروس مهم این علوم است که در مدارس براساس اصل ۱۶ قانون اساسی تدریس می‌شود؛ آنجا که گفته شده زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است. این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه دوم در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود. (آرین‌پور، ۱۳۹۷، ۳۳) اگرچه کتب درسی عربی، دارای دروس مختلف با اهداف متنوعی هستند لیکن اصول کلی در به کارگیری و استفاده روش‌های تدریس جذاب و فعال در آنها، تقریباً مشترک است و آنچه این روش‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد، تفاوت در شکل و نوع اجرای آنها در کلاس است. در این مقاله ابتدا از طرف محقق سعی بر آن شده است بعد تعریف انگیزه و یادگیری از منظر روانشناسی پرورشی و آموزشی با دادن توصیه و راهکارها انگیزه و علاقه کافی در دانش‌آموزان نسبت به درس عربی ایجاد گردد و بعد از آن با بررسی بسترها و زمینه‌های جذاب‌سازی کلاس، به شیوه‌های تدریس فعال و کارآمد پرداخته شود که مطمئناً در افزایش علاقه آنها به این درس بی‌تاثیر نیست.

تجربه نشان داده است با گذشت زمان برای عده‌ای از دانش‌آموزان مسأله‌ی عدم علاقه و بالتبع افت تحصیلی در همه دروس یا یک درس پیش می‌آید که علت آن خواه موجه و یا غیرموجه است؛ لذا این امر برای والدین و مربیان مشکل‌آفرین است و طبیعی است که باید در این مورد تدابیر کارشناسی خاصی اندیشیده و مشکل برطرف شود. زمینه این پژوهش حاضر بررسی علت نداشتن انگیزه و علاقه در یادگیری درس عربی است که دلیل آن ذهنی و ارثی نبوده، بلکه فراگیران در عین داشتن هوش و استعداد کافی در سایر دروس و برنامه‌های تحصیلی نمی‌توانند در درس مذکور همگام با دیگر دروس پیش بروند و در به دست آوردن موفقیت‌های تحصیلی دشواری‌هایی برای خود و دیگران ایجاد می‌کنند.

از آنجایی که آموزش زبان عربی بعنوان یکی از دروس الزامی از ابتدای دوره متوسطه اول تا پایان دوره متوسطه دوم در همه رشته‌ها مطرح شده لذا بحث عدم داشتن انگیزه نیز از همان ابتدا بعنوان یک چالش بزرگ سد راه دانش‌آموزان و مربیان این عرصه قرار گرفته است که این موضوع توجه پژوهشگران و منتقدان زیادی را به خود جلب کرده و تحقیقاتی را نیز در این خصوص انجام داده‌اند. پژوهشی در سال ۱۳۹۹ با عنوان «چگونه جذابیت‌بخشی و فعال‌سازی کلاس درس عربی» توسط علی فاطمی دوست انجام شده که ایشان در این کار خود صرفاً روش‌های نوین تدریس از جمله استفاده از فناوری‌های جدید آموزشی، روش‌های خلاق و مکاشفه‌ای، اعطای آزادی عمل به دانش‌آموزان و... را به عنوان راهکار ارائه کرده ولی نظری درباره کتاب‌های درسی عربی؛ که خود می‌تواند یکی از علل فرار شاگردان از این درس باشد، نداشته‌اند.



پژوهش دیگری نیز با عنوان «بررسی علل بی‌علاقگی دانش‌آموزان سال سوم متوسطه رشته ادبیات و علوم انسانی به درس عربی» توسط منصوره جلیلی و فاطمه بلوچ لاشاری صورت گرفته که آنها نیز برای تقویت انگیزه در مطالعه درس عربی پیشنهادهای را مطرح می‌کنند از جمله: روش و شرایط مطالعه درس عربی و حذف موانع آن و... این کار نیز همان‌گونه که از عنوانش پیداست صرفاً کتاب عربی سال سوم متوسطه رشته ادبیات و علوم انسانی را مورد تحقیق و بررسی قرار داده است.

اما پژوهش حاضر برخلاف کارهای صورت گرفته شده قبلی که به ترتیب روش‌های جدید تدریس و موضوع انگیزه را به تنهایی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان و در رشته ادبیات و علوم انسانی بررسی کرده بودند سعی دارد با گسترده کردن دامنه بحث در ابتدا علل نداشتن انگیزه و علاقه به زبان و درس عربی را در دانش‌آموزان بررسی کرده و بعد از آن راهکارهایی را برای رفع این مشکل ارائه کند. حال با توجه به این موضوع سوال می‌شود که:

- چگونه می‌توان نظر مثبت و انگیزه لازم را در دانش‌آموزان نسبت به درس عربی ایجاد کرد؟
- روش‌های نوین تدریس چگونه می‌توانند در این مورد به معلمان و دانش‌آموزان کمک کنند؟

باتوجه به اینکه محقق کار، معلم بوده و بصورت مستقیم در صحنه مدرسه و ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان قرار دارد و به تدریس درس عربی مشغول است امیدوار است با روش توصیفی _ تحلیل مبتنی بر اقدام در عمل، نتیجه کارش بتواند مورد استفاده معلمان بصورت عموم و دبیران درس عربی بصورت ویژه قرار گیرد تا هم دانش‌آموزان و هم همکاران در برخورد با این چالش موفق بوده و به مانند سایر دروس نتایج مثبت کسب کنند.

۲. زبان عربی؛ پیدایش و گستره جغرافیایی آن

زبان مهم‌ترین وسیله برای برقراری ارتباط بین انسان‌ها است. این توانایی تکلم و صحبت کردن از نعمت‌های بزرگ خداوند متعال است که در قرآن به آن اشاره شده است: عَلَّمَهُ الْبَيَانَ. (رحمن / ۴) و به او تعلیم نطق و بیان فرمود. تعریف‌های زیادی از زبان در فرهنگ‌های مختلف علمی و در تمدن‌های گوناگون وجود دارد ولی تعریف این جنی تا حد زیادی از تعریف‌های دقیق به حساب می‌آید. این جنی می‌گوید: «زبان عبارت است از صوت‌ها و آوایی که هر قومی، هدف‌ها و غرض‌های خود را به وسیله و توسط آن بیان می‌کند. این تعریف دقیق است زیرا بسیاری از جنبه‌های مشخص زبان را بیان می‌کند. این جنی ابتدا به طبیعت آوایی زبان و سپس کارکرد اجتماعی آن در بیان و انتقال اندیشه اشاره کرده است. (فهمی‌حجازی، ۱۳۷۹، ۱۵) انسان‌ها در دنیا با زبان‌های گوناگونی با هم ارتباط برقرار کرده که یکی از این زبان‌ها، زبان عربی است.

زبان عربی در پهنایی که بین دریای سرخ، اقیانوس هند و خلیج فارس واقع شده، ظاهر گشته است که این سرزمین شبه جزیره عرب نامیده می‌شود. عرب از قبیله‌ی سامی بوده که نشانه‌های تاریخ آنها نابود شده و چیزی جز نقش‌هایی بر روی سنگ‌ها در سرزمین یمن باقی نمانده است. تاریخ زبان عربی را در یک روش می‌توان به پیش و پس از اسلام تقسیم کرد. در زمان‌های پیش از اسلام زبان عربی به دو شاخه‌ی عربی جنوبی و عربی شمالی بخش‌بندی می‌گردید. عربی جنوبی در سرزمین یمن کنونی و اطراف آن به کار می‌رفت و تحت تأثیر ارتباط با مصریان باستان و تمدن فنیقی قرار گرفته بود. این زبان با ظهور اسلام کم‌کم به دست فراموشی سپرده شد و به جای آن زبان عربی شمالی که مبنای عربی امروزی است در سراسر عربستان غلبه پیدا کرد. این زبان را اکنون عربی کلاسیک نیز می‌نامند. زبان کلاسیک با فتوحات مسلمانان و زبان عربی قرآنی که نزدیکی بسیاری به زبان شکل یافته عربی داشت با گذشت زمان فراگیر شد و امروزه به عنوان زبان عربی کلاسیک در همه جای جهان عرب‌زبان پراکنده شده است. زبان عربی زبان بین‌المللی می‌باشد که در میان تمامی ملل



دارای اهمیت بوده؛ زیرا با پیشرفت‌های فرهنگی و تمدن، ارتباطی مستقیم دارد و یکی از شش زبان مهم بین‌المللی به حساب می‌آید. عربی، زبان رسمی ۲۲ کشور و با حدود ۳۵۰ میلیون نفر گویشور جزء پرگویش‌ترین زبان‌های جهان است. امروزه این زبان دارای ۱۳ لهجه و گویش‌های گوناگون است ولی عربی نوین معیار به عنوان زبان رسمی نوشتار در همه‌ی کشورهای عربی پذیرفته شده‌است. زبان عربی زبان رسمی سازمان ملل متحد است و تأثیر آن بر زبان‌های دیگر جهان اسلام مانند فارسی، اردو، و زبان‌های گوناگون خانواده‌ی ترکی چشمگیر است. (الفاخوری، ۱۳۸۷، ۱۲ و آذرنوش، ۱۳۹۴، ۱۳ و ۱۴)

۳. جایگاه آموزش زبان عربی در ایران از قدیم تا به حال

آموزش زبان عربی در ایران از نخستین سال‌های ورود اسلام به سرزمین ایران آغاز گشت و ملت ایران برای نجات از ظلم و ستم شاهان ساسانی با آغوش باز و بدون هیچ مقاومتی آیین مقدس اسلام را پذیرفت و هم از اسلام و هم از زبان الهییش به خوبی پاسداری نمود. آموختن زبان عربی به دو سبب یکی اعتقاد و دیگری استواری آن نسبت به زبان فارسی در میان ایرانیان مسلمان رواجی چشمگیر یافت. اندیشمندان ایرانی مسلمان به همان میزان که در زبان فارسی توانمند بودند، تلاش کردند تا علوم زبان عربی را به نیکی و با مهارت فراگیرند. آنان به واسطه‌ی کتابت آثار خویش یا ترجمه‌ی آثار فارسی به زبان عربی، بر تحکیم و تنظیم علوم این زبان و فرهنگ عربی تأثیری شگرف نهادند. از میان ایشان فرهیختگانی چون ابن مقفع، عبدالحمید کاتب، سیبویه، جرجانی، تفتازانی و... سربرآوردند و درباره‌ی فهم الفاظ و معانی زبان قرآن همتی والا مبذول داشتند تا از سستی و کج‌فهمی در فهم کتاب آسمانی و بی‌توجهی نسبت به الفاظ وحی بکاهدند. بی‌شک بخشی بزرگ از ماندگاری زبان عربی و علوم آن به واسطه‌ی همین فرهیختگان ایرانی مسلمان بوده است ولی بعد از مشروطیت و دوران نوگرایی در ایران تا امروز شاهد مجادله و به نحوی بی‌توجهی نسبت به زبان عربی هستیم لذا با کمال شگفتی، نتایج نامطلوب و تأثیرگذاری را در میان دانش‌آموزان و دانشجویان خود مشاهده می‌کنیم.

در کشور ما نیز به زبان عربی اهمیت فراوانی داده می‌شود بالخصوص در طرح‌های آموزشی آموزش و پرورش جایگاهی ویژه دارد. در زمان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، عربی فقط در دوره‌ها و پایه‌های دوم و سوم راهنمایی و در دوره‌های متوسطه در رشته ادبی، آموزش داده می‌شد ولی بعد از پیروزی انقلاب با تالیف کتب مختلف به اهمیت آموزش زبان عربی افزودند؛ زیرا براین باور بودند که با آموزش آن بیشتر می‌توان به معارف اسلامی پی‌برد و همانطور که گفته شد ایرانیان نیز بعد از آمدن اسلام و بعد از قوم عرب اولین کسانی بودند که به اسلام گرویدند و از آنجایی که زبان قرآن نیز عربی می‌باشد پس نمی‌توان گفت که این زبان تنها به یک قومیت یا ملت تعلق دارد لذا در آموزش و فهم این زبان بسیار باید کوشید. (محسنی راد و سراوانی، ۱۳۹۸، ۳)

همانطور که قبلاً نیز گفته شد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اصل شانزدهم آن این گونه آمده است: «از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان باید پس از دوره‌ی ابتدایی تا پایان دوره‌ی متوسطه در همه‌ی کلاس‌ها و در همه‌ی رشته‌ها تدریس شود». در برنامه‌ی درسی ملی در مورد قلمرو حوزه‌ی درس عربی چنین آمده است: «آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه‌ی زبانی، یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد». علاوه براین در برنامه‌ی درسی عربی درباره‌ی رویکرد و شیوه‌ی نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی چنین آمده است: رویکرد پرورش مهارت‌های زبانی برای فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی و حاکمیت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان و متن محوری به جای قاعده محوری، کاستن از حجم قواعد و چشم‌پوشی از قواعدی که امکان نادیده



گرفتن آن‌ها در این فرایند آسیمی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد در عوض بیشتر به متن و واژگان پر کاربرد و کلیدی توجه شود.

۴. کتاب درسی عربی

با کمی بررسی و تحقیق در میان دانش‌آموزان مدارس ایران به راحتی متوجه خواهیم شد اغلب دانش‌آموزان از سراسر کشور از فراگیری درس عربی گریزانند و انگیزه یادگیری، در آنها ضعیف گشته و عربی یکی از دروسی شده که شاگردان در این درس نمرات رضایت‌بخشی را بدست نیاورده و بسیاری از آنها در آموختن آن دچار افت شدیدی گشته‌اند و بالتبع این امر ذهن اغلب دبیران عربی و مسئولین آموزش مناطق مختلف را به خود معطوف کرده است؛ اینکه چگونه موانع جذابیت درس عربی را از میان برداشته و انگیزه‌های مؤثر در آموزش زبان وحی را در بین دانش‌آموزان تقویت کنند. همانطور که همه ما می‌دانیم برای برطرف کردن ضعف و نقص در هر امری ابتدا باید با تحقیق و بررسی و نظر سنجی‌های لازم، علل و عوامل آن را به خوبی شناسایی کرد و سپس با برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده به کاهش و برطرف ساختن آن اقدام نمود. اقدام جهت پیشبرد و پیشرفت یادگیری درس عربی نیاز به تغییر و تحول بنیادی براساس یافته‌های علمی در کتاب عربی، محیط یادگیری، مربی و مترجمان دارد؛ چراکه تحول آموزشی، خود معلول تحول اجتماعی و تحول علوم و فناوری است که در ادامه مطلب بیشتر به این مبحث پرداخته خواهد شد.

علماء تعلیم و تربیت در گزارش‌های خود عناصر و عوامل مطلوب در آموزش و تعلیم هر زبان و هر علم را چهار عنصر زیر ذکر کرده‌اند: هدف و ضرورت آموزش، کتاب و محتوای آموزشی، معلم و روش‌های تدریس، مربی و ارزشیابی‌های لازم از او. براساس یافته‌ها، مهم‌ترین چالش‌های آموزش زبان عربی در مدارس ایران عبارتند از: ضعف نیروی انسانی آموزش زبان عربی، روش‌های سنتی آموزش زبان عربی، غلبه گرامر و قواعدمحوری در آموزش زبان عربی، نبود وسایل کمک آموزشی دیداری و شنیداری و ابزارهای چندرسانه‌ای، عدم تبیین درست اهداف آموزش زبان عربی، نامناسب بودن روش ارزشیابی درس زبان عربی و ناکارآمدی آموزش‌های ضمن خدمت دبیران. جهت اصلاح و ترمیم ضعف‌های فوق‌الذکر، راهکارهایی نیز ارائه شده است من جمله: بازنگری در حوزه تربیت و یادگیری زبان عربی در برنامه درسی ملی با رویکرد تأکید بر نقش ارتباطی زبان عربی در متون درسی، بازنگری و اصلاح فرایند تربیت نیروی انسانی ویژه آموزش زبان عربی، برگزاری دوره‌های تخصصی و حضوری آموزش معلمان، توجه به متن‌محوری، ایجاد تحول اساسی در روش‌های سنتی تدریس و استفاده از روش‌ها و فناوری‌های نوین آموزش زبان خارجی، اصلاح و بازنگری اساسی در نحوه ارزشیابی، تغییر و بازنگری در محتوای درسی با رویکرد پرهیز از قواعدمحوری و تبیین فلسفه، اهداف و ضرورت‌های ارائه آموزش زبان عربی در مدارس ایران که این اقدامات به نوبه خود مثبت بوده و نتایج مطلوبی را نیز در وضعیت تحصیلی به همراه داشته است.

این مهم را فراموش نکنیم که در فراگرفتن زبان دیگران، کتاب درسی نقش نخستین را دارد، معلم و متعلم پس از آن قرار می‌گیرند اما همه‌ی کتاب‌های درسی که در این چندین دهه‌ی اخیر برای مقاطع راهنمایی و دبیرستان و دانشگاه نوشته شده و می‌شوند و مؤلفان آنها، بایستی گفت که کوشش کرده و می‌کنند تا شاید آنها را مناسب با مقتضیات نوشونده‌ی زمانه ما کنند ولی بایستی اعتراف کنیم که همه‌ی آنها اصولاً بر اساس روش همان کتبی نوشته شده و می‌شوند که متناسب بوده‌اند با حال و هوای مدارس مذهبی ما در طول قرون گذشته نه متناسب با ضروریات و مقتضیات عصر جدید، هر چند که آنها را خلاصه و خلاصه‌تر نوشته باشند؛ جان کلام و گره کور در همینجا است که خوشبختانه در چند سال گذشته تغییراتی رو در این خصوص اعمال کرده‌اند.



در ادامه بیان نقاط ضعف کتاب عربی با کمی تأمل و مطالعه بیشتر می‌توان به این مطالب پی برد که کتاب‌های عربی موجود در مدارس یکی از مهمترین و بزرگترین عامل بی‌رغبتی و افت تحصیلی دانش‌آموزان در این درس است که نواقص و کاستی‌های آن در ادامه بیان می‌شود: تمام کتاب‌های درسی عربی در مدارس از سه بخش قواعد و متون و تمرینات تشکیل شده است و قواعد در این کتاب‌ها به عنوان هدف آموزش این زبان معرفی شد؛ افراط در آموزش صرف و نحو و توجه محض به مسائل ساختاری و اعراب کلمات از موانع جذابیت آموزش عربی گشته است لذا به روز نبودن مطالب کتاب‌های عربی و عدم تناسب و هماهنگی و همخوانی محتوای آموزشی کتاب عربی با سلاقی و نیازهای علمی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموزان از نکات قابل توجه بوده که وجهی منفی بدان داده است.

حجم زیاد و خسته کننده مطالب و محتوای کتب درس عربی مطلبی دیگری است که باید بدان توجه شود؛ بطوریکه باعث شده که معلم مربوطه وقت کافی جهت تنظیم بودجه‌بندی استاندارد نداشته باشد و رفع اشکال و مرور درس‌های پیشین عملاً غیرممکن باشد. تأکید بیش از حد بر قواعد؛ سخت و زیاد بودن آنها و ارائه آن به صورت خسته کننده و با توضیحات زائد و طولانی، باعث شد که دانش‌آموزان رغبت و علاقه کافی برای یادگیری این درس نداشته باشند؛ به همین دلیل این نیاز احساس می‌شد که در تألیف کتاب‌های عربی تغییرات کلی و اساسی اعمال شود تا مطالب به صورت جذاب و مفید به دانش‌آموزان ارائه گردد.

جذابیت و تنوع مطالب موجود در کتاب بسیار کم و ناچیز است مثلاً در هیچ جای کتاب‌های درسی عربی، یک مطلب ورزشی دیده نمی‌شود؛ این در حالی است که بحث ورزشی برای دانش‌آموزان بالاخص شاگردان پسر بسیار جذاب و قابل توجه می‌باشد. اغلب مطالب کتاب‌های درسی عربی یکنواخت است؛ درست است که هدف از آموزش زبان عربی فهم قرآن و حدیث است اما می‌توان در لابلای داستان‌های متنوع و جذاب و یا در ضمن عنوان کردن یک لطیفه و حکایت پندآموز خیلی از لغات و اصطلاحات متون دینی را آموزش داد. از طرف دیگر زیاد و طولانی بودن متون درسی در دو یا سه صفحه، عدم اهمیت به قرائت متون یعنی نادیده گرفتن مهارت شنیداری و گفتاری در کلاس‌های هنرستان و ... از نقاط ضعف دیگر این کتاب به حساب می‌آید. شایان ذکر است که استفاده از نکات اخلاقی در قالب قصه‌های کوتاه و بهره‌گیری از واژگان پرتکرار قرآنی از نقاط قوت کتاب‌های دوره راهنمایی است که کمتر در کتاب‌های عربی دوره متوسطه دوم دیده می‌شود.

همانطور که مشاهده می‌شود در سال‌های اخیر کتاب و محتوای آموزشی کتاب‌های قاعده محور گذشته خوشبختانه جای خود را به کتاب‌های نو نگاشت داده‌اند که متن محورند و بسیار کاربردی‌تر از کتاب‌های گذشته‌اند. پیش از این، بسیاری از معلمان و مدرسین این زبان، بخش زیادی از وقت آموزش را منحصر به صرف و نحو و بیان واژگان و شیوه‌های ترجمه دانسته و به ارائه شیوه‌هایی جهت یادگیری عمیق و کاربرد زبان در موقعیت‌های مختلف توجه کمتری نشان می‌دادند. با آنکه قواعد وسیله اصلی برای فهم زبان می‌باشند، اما طریقه استفاده از آن یکی از مهمترین اصولی است که در شیوه آموزشی گذشته نادیده انگاشته شده بود؛ آموزش قواعد به تنهایی موجب خسته شدن ذهن دانش‌آموزان شده و خلاقیت و علاقه آنها را برای یادگیری بیشتر و استفاده از زبان کاهش می‌دهد؛ به طوری که تنها هدف آن‌ها پشت سر گذاشتن آزمون‌های مربوط به این درس و موفقیت نسبی در کسب نمره، می‌شود.

در سال‌های گذشته، دانش‌آموزان نهایت تلاش خود را جهت یادگیری قواعد خشک و سخت عربی مبذول می‌داشتند و توجه به متن اصلی درس و مکالمه به مراتب کمتر بوده چراکه در پایان سال و کنکور نمره پایینی به آن اختصاص داده می‌شد که این امر منجر به آن شد توجه به مهارت‌های شنیداری و گفتاری که از اهداف اصلی آموزش یک زبان است به ورطه فراموشی رفته و در بلند مدت تأثیر منفی در انگیزه خواندن و یادگیری عربی در دانش‌آموزان ایجاد کند زیرا تکلم به زبان عربی می‌تواند خود یکی از مشوق‌های رفتن به سمت آن باشد. بنابراین باتوجه به وضعیت تدوین کتاب‌های جدید درس عربی و تحول و تغییر ویژه در آن شایسته است دبیر متخصص و متعلم این



درس نیز در نحوه تدریس خود و شیوه آن با استفاده از مهارت‌های خاص و شرکت در کلاس‌های توجیهی بدو و ضمن خدمت، تغییراتی را ایجاد کرده و آمادگی لازم را جهت حضور در مدرسه و کلاس درس کسب کند.

۵. معلم؛ یاددهنده و انگیزه‌ساز

یادگیری شامل تمام مهارت‌ها، گرایش‌ها؛ دانش‌ها، و معلوماتی است که انسان در طول زندگی خود کسب می‌کند. بعضی یادگیری را کسب اطلاعات، معلومات یا مهارت‌های خاص تعریف کرده‌اند و گروهی آن را انتقال مفاهیم از فردی به فرد دیگر تصور می‌کنند. رفتارگرایان یادگیری را «تغییر در رفتار قابل مشاهده و اندازه‌گیری» تعریف کرده‌اند ولی از دیدگاه مکتب گشتالت یادگیری عبارت است از «کسب بینش‌های جدید یا تغییر در بینش‌های گذشته». یادگیری با هر بینشی تعریف شود، اساس رفتار انسان را تشکیل می‌دهد و نخستین صفت مشخص آن تغییر است؛ تغییری که به تدریج رخ می‌دهد، نسبتاً ثابت و پایدار است و بر اثر تجربه حاصل می‌شود. ولی جامع‌ترین تعریفی که برای یادگیری ارائه شده است را می‌توان در نوشته‌های هیلگارد و مارکوئیز پیدا کرد. آنها یادگیری را بدین صورت تعریف کرده‌اند: «یادگیری عبارت است از فرآیند تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه‌ی فرد، بر اثر تجربه» این تعریف نسبت به تعاریف دیگر رجحان و برتری داشته و تعریفی جامع و مانع به حساب می‌آید. (شعبانی، ۱۳۷۱، ۱۰ و ۱۱) حال اگر ما نکات و مراحل موجود تعاریف بالا از یادگیری را در وضعیت کنونی آموزش زبان عربی در مدارس کشور بررسی کنیم خواهیم دید که آموزش هرگز نتوانسته است تغییرات نسبتاً پایدار را در رفتار دانش‌آموزان ما بعد از اتمام کتاب عربی ایجاد کند؛ چراکه صرف حفظ کردن طوطی‌وار لغات و قواعد بدون استفاده از آن در محیط بصورت پایدار و عدم تجربه کردن آن در زندگی واقعی عملاً ما را از اهداف اصلی آموزش یک زبان دور گردانیده است.

همانطور که می‌دانیم یادگیری نباید بصورت پذیرندگی و انفعالی باشد بطوری که دانش‌آموز فعالیتی را از خود نشان ندهد بلکه شاگرد باید نقش اصلی را در این امر ایفا کرده و معلم تنها ناظر و راهنمای او باشد و همچنان یادگیری از طریق حفظ و تکرار موجب یادگیری معنادار نمی‌شود آنچه‌ای که این مشکل نزد بسیاری از دانش‌آموزان ما موجود است؛ زیرا که در بسیاری از موارد ما شاهد آن هستیم که دانش‌آموزان بدون اینکه عمق و مفهوم مطلب را درک کرده باشند به حفظ طوطی‌وار مطلب پرداخته که در نهایت بعد سپری شدن مدت کوتاهی آن مطالب را به باد فراموشی سپرده و استفاده‌ای از آن نمی‌برد. از طرف دیگر دانش‌آموز باید به هنگام یادگیری، بتواند بین آنچه می‌آموزد و زندگی واقعی خود پل و ارتباطی پیدا کند و کاربردآموخته‌های خود را در دنیای واقعی به عینه مشاهده نماید در غیر این- صورت مطالب علمی اغلب برای شاگرد نامفهوم می‌ماند؛ زیرا ارتباط و تناسبی با تجارب زندگی واقعی او ندارد.

یکی از موارد مهمی که باید در حوزه آموزش زبان عربی در مدارس بدان توجه شود بحث معلم است. اگر منصفانه قضاوت کنیم پس از نقد کتاب و محتوای آموزشی آن، معلم و روش‌ها و فنون تدریس او از عوامل بسیار مهم در ایجاد علاقه و جاذبه برای آموزش درس خواهد بود. معلم موفق در آموزش عربی در مقاطع متوسطه اول و دوم تنها کسی نیست که در عرضه مطالب تخصصی برتر باشد و ریز و درشت مسائل صرف و نحو را برای فراگیران خود بیان کند بلکه اولین گام برای موفقیت در کار معلمی، ایمان به رسالت معلم و عشق ورزیدن به شاگردان است. اگر ما به انسان‌هایی که ماه‌ها و سال‌ها با آنها سر و کار داریم، علاقه‌مند نباشیم و نتوانیم با آنها ارتباط سالم برقرار کنیم، چگونه ممکن است در آنها تاثیر بگذاریم و موجب تغییر آنان و تحول در آنها شویم. معلم باید از ویژگی‌های شخصیتی مطلوبی برخوردار باشد و در درجه اول باید انسان خوبی باشد تا شاگردان او را به عنوان یک الگوی حسنه انتخاب کنند؛ آن‌گاه است که عملکرد و رفتار او می‌تواند در دانش‌آموزانش موثر واقع شود.



آگاهی و شناخت معلم از اصول و روش‌های تعلیم و تربیت عامل مهم دیگری است که می‌تواند او را در کار خود موفق و موید سازد. معلم امروز بدون آگاهی از روانشناسی، فلسفه و اصول یادگیری و روش‌ها و فنون تدریس هرگز قادر نخواهد بود وظیفه خطیر خود را به نحو احسن انجام دهد. او باید قادر باشد با شناخت شاگردانش محتوای آموزشی را براساس نیازهای آنان انتخاب کند و با در نظر گرفتن توانایی‌های ایشان به ایجاد وضعیت مطلوب آموزشی اهتمام ورزد. معلم باید ضمن هماهنگی لازم بین ویژگی‌های فردی و فعالیت‌های آموزشی، آموزش و یادگیری را برای آنان به صورت تجربه‌ای شیرین و لذت‌بخش درآورد. وظیفه او در فرآیند آموزش و پرورش، تنها انتقال واقعیت‌های علمی نیست؛ بلکه باید موقعیت مطلوب یادگیری را فراهم کند؛ معلم باید چگونه اندیشیدن و چگونه آموختن را به شاگردان بیاموزد بنابراین اگر او روش آموختن را به آنها یاد دهد آنها خود خواهند آموخت.

در حوزه تعلیم و آموزش معلم نقش اساسی را در جهت ایجاد انگیزه و یاددهی انجام می‌دهد. روانشناسان، کلیه عواملی را که موجود زنده از جمله انسان را به فعالیت وادار می‌کند انگیزه می‌نامند و حالتی را که انگیزه در ارگانیسم به وجود می‌آورد انگیزش می‌گویند. به عنوان مثال می‌توان گفت که نیاز به غذا انگیزه و احساس گرسنگی انگیزش است. انگیزه‌ها به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: فیزیولوژیک یا اولیه، اجتماعی یا ثانویه. انگیزه‌های فیزیولوژیک یا سابق‌های فیزیولوژیک آنهایی هستند که نیازهای زیستی و فیزیکی موجود زنده را برطرف می‌کنند و هدف آنها این است که موجودیت ارگانیسم به خطر نیفتد. مهمترین این انگیزه‌ها عبارتند از: گرسنگی، تشنگی در خواب و... ولی انگیزه‌های اجتماعی ظاهراً با فیزیولوژی بدن رابطه ندارند بلکه به مرور آموخته می‌شوند. مهمترین این انگیزه‌ها عبارتند از: پیشرفت، پذیرش و تعلق، تسلط یابی و کسب مال و... (گنجی ۱۳۸۶، ۱۹۲ و ۱۹۳)

لازمه هر شروعی در امر تدریس، ایجاد شرایط مطلوب و فضا سازی است. فرآیند یاددهی - یادگیری یک معادله دو سویه است و به توافق و تمایل هر دو طرف این معادله نیاز دارد؛ دیدن ترتیب، معلم نمی‌تواند بدون توجه به انگیزه و علاقه دانش‌آموزان، تدریس خود را شروع کند؛ زیرا تدریس، تزریق نیست بلکه یک تعامل فعالانه است. با این توصیفات، مهارت معلم در این مرحله بسیار مهم است و به هنر خاصی نیازمند است تا انگیزه‌ای توأم با هدفمندی و نشاط را در دانش‌آموزان ایجاد کند. بنابراین آموختن زبان جدید نیاز به داشتن انگیزه دارد که مربی باید بتواند با استفاده از علم روز روانشناسی آموزشی و پرورشی و با استفاده از روش‌های نوین آموزش به ایجاد و رشد این خواسته و انگیزه در مرتبه کمک کرده تا او بتواند استعداد خود را در این راه شکوفا سازد و از آثار و نتایج به دست آمده در راه کسب علم و معرفت سود برد که لازمه این امر بودن و وجود معلمی است که علاوه بر دارا بودن سواد تخصصی از لحاظ سواد رسانه‌ای و تکنولوژی نیز به روز باشد و با استفاده از این دانش بتواند فرآیند یاددهی - یادگیری را برای خود و شاگردانش تسهیل و موثر گرداند. در ادامه مطلب به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌گردد که یک دبیر می‌تواند در آموزش زبان عربی انجام دهد.

در طرح و تغییرات ارائه شده که چند سالی است به انجام می‌رسد، یادگیری دستورالعمل‌های مربوط به آموزش زبان عربی به افزایش تکنیک‌های خلاقیت و بازی در مقاطع پایین‌تر تا استفاده از کارهای گروهی در کلاس در مقاطع بالاتر بهبود یافته است. از طرفی، به دنبال تغییر محتوای درسی و کتاب‌ها، شیوه آموزش معلمان نیز با تغییرات بسیاری همراه بوده و با برگزاری کلاس‌های آموزشی برای معلمان و مدرسین این زبان، شیوه‌های آموزشی آن نیز در حال پیشرفت است. بدیهی است بدون تخصص و تسلط معلمین و متخصصان به آنچه بعنوان تغییرات محتوای درسی بیان شده است، امکان تغییر شیوه آموزشی وجود نداشته و هرچقدر معلمان با این شیوه‌ها سازگاری بیشتری را نشان دهند، امکان پیاده سازی آنچه بعنوان تغییرات ارائه شده است، به میزان بیشتری امکان پذیر می‌باشد.

یک معلم خوب جهت ایجاد و دادن انگیزه کافی به شاگردانش باید به روز بوده و علم استفاده از تکنولوژی را داشته باشد و از امکانات نوظهور جهت امر آموزش استفاده برد؛ استفاده از فناوری‌های نوین آموزشی می‌تواند میزان یادگیری و دوام آن را در شاگردان بیشتر کند؛ بطور مثال پخش یک کارتون مربوط به کتاب درسی متوسطه اول می‌تواند علاوه بر تقویت مهارت شنیدن در شاگردان و آشنایی با



روخوانی و روان خوانی متن دروس، تمامی تمرکز آنها را معطوف خود نماید؛ زیرا شاگردان این دوره در سنی قرار دارند که اهتمام و علاقه خاصی نسبت به کارتن دارند و به راحتی از آن تقلید می‌کند. از طرف دیگر نصب پوستر آموزش ضمائر و افعال بر روی دیوار کلاس باعث تکرار یادگیری و توجه شاگردان شده که این امر نیز علاوه بر زیباسازی فضای کلاس می‌تواند ابزاری برای یادگیری هرچه بیشتر باشد. بنابراین معلم الآن بایستی به روز باشد تا بتواند از امکانات جدید جهت آموزش بهتر کمک گیرد.

تهیه روزنامه دیواری و جداول کلمات جدید هر درس از موارد دیگری است که در امر آموزش بسیار راهگشا و کمک کننده مربی و مربی است که تجربه، استفاده کردن از آن را جهت رسیدن به اهداف آموزشی ثابت کرده است. در این حالت از شیوه جذاب نمودن کلاس، دانش‌آموزان در خصوص محتوای هر درس به انتخاب موضوع پرداخته و بصورت گروهی اقدام به تهیه روزنامه دیواری کرده و نتایج فعالیت خود را در کلاس ارائه داده و در آخر، روزنامه خود را بر روی قسمتی از دیوار کلاس نصب می‌نمایند. این کار علاوه بر تشبیت یادگیری، تقویت انجام فعالیت‌های گروهی، بچه‌ها را اجتماعی می‌کند و در آخر سر کار آنها می‌تواند از جانب دبیر مربوطه مورد تشویقات لازم قرار گیرد.

آن دسته از دانش‌آموزانی که همواره سوال کننده و کنجکاو هستند و قدرت شناخت و استفاده از آموخته‌های خود را دارند می‌توان آنها را فکور نامید و این مفهوم فکور بودن شاگردان در حیطه ساخت‌گرایی مطرح می‌شود؛ چون یادگیری را فرآیندی پویا و درونی در نظر می‌آورد که طی آن دانش‌آموزان به شکلی فعال و با ارتباط دادن اطلاعات جدید به آنچه آموخته‌اند دست به ساخت دانش می‌زنند، بر وفق این نظریه پشتوانه یادگیری، تجارب مختلف و تعاملات اجتماعی است نه تمرینات نامنظم و بر کردن طوطی وار. (آقازاده، ۱۳۹۴، ۱۱)

بنابراین اعطای آزادی جهت اظهار نظر به دانش‌آموزان یکی از راه‌های جذاب نمودن کلاس و فعال کردن شاگردان است. دانش‌آموزی که در کلاس فعال بوده و به بیان اظهار نظر ولو خطا می‌پردازد بهتر می‌تواند خود و مربی‌اش را به اهداف نهایی کلاس درس برساند چراکه براساس بازخوردی که به معلم می‌دهد، می‌توان سطح یادگیری او را به دست آورد و براساس آن اقدام لازم را در خصوص رفع اشکال و تسهیل یادگیری انجام داد. برعکس این حالت دانش‌آموزان غیرفعال کلاس هستند که کوچکترین بازخوردی را به هنگام آموزش به معلم نمی‌دهند و معلم را در رسانیدن به اهداف آموزشی یاری نمی‌کنند.

استفاده از روش‌های نوین تدریس همچون مشارکت گروهی و همیاری یکی از راه‌های جذابیت کلاس درس است؛ یادگیری اساساً یک فعالیت اجتماعی و مشارکت در محیط اجتماعی نظیر مدرسه، زیربنای یادگیری است. (همان، ۴) آموزش و یادگیری موثر و کارآمد در محیطی حاصل می‌شود که نوعی مشارکت فعال بین مربی و متریبان ایجاد گردد؛ بدون وجود این مهم، نوع یادگیری یکجانبه بوده و از مقبولیت کافی برخوردار نیست. (فضلی خانی، ۱۳۸۲، ۱۴) نمونه این امر آموزش غیرحضور در ایام کرونا بوده که دانش‌آموزان را از محیط مدرسه دور گردانیده است؛ محیطی که می‌تواند به عنوان نمونه‌ای از یک جامعه کوچک بچه‌ها را اجتماعی کند و علاوه بر آن با ایجاد فضای رقابتی سالم باعث پیشبرد آموزش و در نهایت موفقیت دانش‌آموزان گردد لذا معلمان باید به این مهم توجه کنند و در تعلیم و تعلم خود نگاه ویژه‌ای نسبت بدان داشته باشند.

همان‌طور که می‌بینیم متن اصلی در کتاب‌های عربی متوسطه اول طوری طراحی شده که دانش‌آموزان می‌توانند از روش‌های خلاقیتی چون نمایش و ایفای جهت مکالمه استفاده کنند و در دوره متوسطه دوم نیز جهت اجرای بخش مکالمه کتاب خود از این روش سود ببرند که این کار، باتوجه به عملی بودن آن امر یادگیری را تثبیت و موثرتر می‌نماید. در این روش با ایجاد یک سناریوی نمایشی اعضای گروه‌ها به انتخاب نقش پرداخته و بعد تمرین لازم، بصورت تئاتر در کلاس اجرا می‌کنند. از فواید دیگر این کار این است که شاگردان خجالتی و منزوی به صحنه آمده و فعالیت بیشتری را در اجتماعات و جامعه خواهند داشت.



روش مکاشفه‌ای یکی از فنون و راه‌های تدریس درس عربی است که استفاده از آن نتایج مطلوبی را به همراه داشته است. در روش مکاشفه‌ای معلم برای یادگیری مستقیماً موضوع درس را به دانش‌آموزان نمی‌دهد بلکه آنان را وادار می‌کند تا خودشان به کشف و ساختن دانش بپردازند. این مساله در آموزش قواعد بیشتر اهمیت و تاثیر خود را نشان می‌دهد. مثلاً به هنگام ورود به بحث «بدانیم‌ها» ابتدا باید از دانش‌آموزان خواست با دقت در جملات ارائه شده در این قسمت درباره موضوع اظهار نظر کرده و بعداً ایراد نظرات تفاوت جملات نوشته شده زیر تصاویر و نکته لازم را بیان کنند، بعد این مرحله است که معلم به عنوان تسهیل کننده و بعد راهنمایی لازم به بحث داخل شده و اتمام کننده مکاشفه خواهد بود. این کار می‌تواند در کلاس بصورت گروهی و انفرادی باشد و گروه‌ها بعد از مشورت به ارائه نظرات خود بپردازند. بخاطر اینکه در این روش دانش‌آموز خود به کشف قواعد می‌پردازد و دانش را می‌سازد لذا هم اعتماد به نفس و انگیزه به او داده و هم باعث پایداری آموخته‌ها در او می‌گردد و در آخر به دلیل رابطه‌ای که خود بین جملات پیدا کرده، نتایج کارش حلاوت خاصی را نیز بدو می‌چشاند.

روش ارزشیابی بصورت گروهی و استفاده از سرگروه جهت کمک معلم نیز می‌تواند مشوق خوبی برای فعالیت شاگردان باشد. معلم در ابتدا با استفاده از ارزشیابی آغازین سطح معلومات نقرات کلاس را بررسی کرده و بالتبع بر اساس همین ارزشیابی، سرگروه‌ها را جهت تسهیل یاددهی و آموزش دانش‌آموز به دانش‌آموز انتخاب کرده و به گروه‌بندی کلاس می‌پردازد. علم ثابت کرده دانش‌آموزانی که بعنوان معلم‌یار انتخاب می‌گردند بخاطر هم‌سنی و وجوه مشترک، بهتر می‌توانند به اعضای گروه خود، آموزش داده و معلم در اینجا ناظر و راهنما بر جریان آموزش است. سرگروه علاوه بر کمک به یادگیری در ارزشیابی از اعضای گروه خود نیز فعالیت داشته و در آخر نتایج را به معلم بازتاب می‌دهد. این کار باعث ورود شاگردان خجالتی به بحث گروهی و همچنین کنترل شاگردان بیش فعال بخاطر مسولیت نسبت به اهداف گروه می‌گردد.

دبیر عربی باید جهت تدریس کارآمد طرح درس مناسبی داشته باشد و بین آموخته‌های پیشین و جدید شاگردانش پلی ایجاد کند او باید قادر باشد باتوجه به پایه و سطح علمی دانش‌آموزان در کلاس با جمالت ساده و کوتاه عربی ورودی‌های قابل فهم را به دانش‌آموزان ارائه دهد. در تشویق آن‌ها کوتاهی نکند. معلمی در آموزش این زبان توفیق بیشتر دارد که به اصول تدوین کتاب و ساختمان قواعد و متون آن و هدف‌های رفتاری هر درس واقف باشد و برای تفهیم شاگردان از مثال‌های ساده استفاده کند. خوب است از لوازم کمک آموزشی مانند کتاب گویا، انیمیشن‌ها استفاده شود تا کلاس درس برای دانش‌آموز جذاب و شیرین شود. معلم بایستی به تدریس قواعد در کتاب اکتفا کند و از بیان مطالب دستوری بیشتری خودداری فرماید؛ زیرا مسلماً بیان نکات خارج از کتاب باعث اضطراب و گیج شدن دانش‌آموزان می‌شود مگر اینکه دانش‌آموز خود سوالی بپرسد که الزم باشد فراتر از حد کتاب برای پاسخ او توضیح داد که در این صورت باید تاکید کرد که این موارد در امتحان مطرح نمی‌شوند.

همه ما به وضوح می‌دانیم که به کارگیری خلاقیت و نوآوری در آموزش زبان عربی و همچنین تمرکز و تاکید بر استفاده آن در موقعیت‌های گوناگون، یادگیری این درس را آسان و جذاب خواهد کرد. در حال حاضر، با تغییر شیوه آموزشی از طرف آموزش و پرورش، مکالمه بعنوان یکی از مهمترین فاکتورهای در آموزش زبان عربی در مقاطع مختلف تحصیلی مطرح شده و یک چاشنی آموزش و تمرین زیبا به حساب می‌آید.

به نظر روانشناسان و مربیان علوم تربیتی آموزش هر زبانی دارای چهار مرحله با اولویت‌های زیر است: ۱- مهارت‌های شنیداری ۲- مهارت‌های گفتاری ۳- قرائت متون ۴- نگارش که با توجه به نوع کتابت و اهداف کتاب‌های آموزشی سابق این چهار مورد مذکور در پایان سال در دو حیطه شنیداری و گفتاری دستاوردی برای دانش‌آموزان نداشت زیرا که تمامی اهداف کتاب درسی معطوف آموزش قواعد کتاب بود و توجهی به مهارت شنیدن، روان‌خوانی و مکالمه نمی‌شد. مکالمه آن هم در حد ساده و ابتدائی می‌تواند به کلاس تحرک دهد و



استفاده از آن سر کلاس جهت ایجاد انگیزه و اشتیاق به درس عربی در شاگردان، مطرح می‌گردد. اگر دانش‌آموزان در حین مکالمه قواعد و واژگان را صحیح به کار نبردند به آنها فشار نیاوریم، تمام زیبایی سخن گفتن به همین غلط‌هایی است که ممکن است دانش‌آموزان در حین صحبت کردن داشته باشند. در واقع برای کسی که عربی زبان مادری‌اش نیست انجام این اشتباهات عیبی ندارد و با کمی تسهیل و آسان‌گیری در پایان می‌توان نتایج ارزشمندی بدست آورد.

یکی از راه‌های زنده کردن کلاس‌های درس عربی این است که معلمان عربی باید شیوه آموزش قواعد خود را تغییر داده و برعکس گذشته قواعد را در اختیار متن قرار دهند. تغییری که لازم است اتفاق بیفتد این است که برای آموزش قواعد و دستور زبان از دریچه قواعد فارسی وارد شویم تا یادگیری آسان‌تر شود. به عنوان مثال اگر شما ضمائر عربی را به صورت «هو، هما، هم، هی، هما، هن» فرا گرفته‌اید اکنون ما به ترتیب «من، تو، او، ما، شما و ایشان» ضمائر را به دانش‌آموزان آموزش می‌دهیم؛ زیرا در حالت اول شاگردان با انبوهی از ضمائر جدید روبرو می‌شوند که ترتیب آن از منطق خاصی تبعیت نکرده لذا برای آنها بسیار سنگین و فرار می‌باشد اما اگر این ضمائر را براساس دستور زبان فارسی که دانش‌آموز آشنایی کامل نسبت بدان دارد ارائه شود، بهتر آن‌ها را به یاد می‌سپارد و به هنگام مواجه شدن با آن به راحتی به چندم شخص آن پی می‌برد. در یک برنامه آموزشی صحیح باید به قواعد نگاهی ابزاری داشت و ساده‌ترین آنها را برگزید و کتاب آموزش زبان عربی نباید کتاب قواعد به معنی عام باشد. در چند سال گذشته این کار از طرف مولفین کتب درسی انجام شده و هر سال فعالیت‌ها و نشست‌هایی نیز در این جهت انجام می‌شود که آثار مفیدی را نیز به همراه داشته است.

لازم است که علاوه بر ذکر مختصر و مفید از قواعد به تقویت مکالمه و گفتگو به زبان عربی در حد متون ساده و استفاده از آن در سفر و فهم برنامه‌های عربی مفید تلویزیونی و ماهواره‌ای بهره جست. بین دانستن قواعد زبان و کاربرد آن در محاوره و گفتار تفاوت بسیاری است ما شاهدیم که بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان از خواندن متنی بدون اعراب ناتوان هستند و از نوشتن و خواندن یک برگ متن عربی عاجزند و اگر هم بخوانند تلفظ آنها را عرب نمی‌فهمد. پس شایسته است به مهارت خواندن نیز در کنار آموزش صرف و نحو مانند گذشته توجه کرد و ۲۰ نمره جداگانه به نام قرائت متون عربی بر ۲۰ نمره کتبی آن افزود. چون کثرت قواعد و پیچیدگی آنها از جذابیت آن کاسته و موجب دلزدگی شاگردان گشته است و آنها همیشه کتاب و درس عربی را به باد انتقاد گرفته و از پیچیدگی قواعدش می‌نالند.

برخورد و نگاه خانواده و کادر مدیریتی مدارس نسبت به عرب‌ها و دروس عربی تغییر یابد؛ چراکه متاسفانه در کشور ما دیدگاه و نظر مردم نسبت به عرب‌ها منفی و بد بوده و نوعی نفرت قدیمی نسبت به آنها در میان مردم به‌ویژه ملی‌گرایان افراطی دیده می‌شود که لازم است این نوع تفکر مورد اصلاح واقع شود و برابری آدم‌ها براساس گفته قرآن و احادیث معصومین بیان گشته تا اقتناع لازم صورت گیرد؛ چراکه نتایج نامطلوبی را در گرایش و توجه شاگردان به این درس داشته است. جهت از بین رفتن این نوع تفکر در میان دانش‌آموزان، معلم باید سعی کند علاوه بر موردی که در بالا بدان اشاره شد برای جذاب کردن هرچه بیشتر درس عربی و محتوای آموزشی موارد زیر را در نظر گرفته و نسبت به انجام آن سر کلاس اقدامات لازم را صورت دهد از جمله: معرفی کردن پیامبر و امامان به‌عنوان کسانی که زبان‌شان عربی بوده، استخراج آیات پرمعنی و تعبیرات کوتاه حکمت‌آمیز از قرآن و سیره معصومین (ع) که به برابری انسان‌ها و زبان‌ها پرداخته، استفاده از امثال و حکم عربی و ارائه معادل آنها در متون نظم و نثر فارسی، تنوع در معرفی نامداران، شعراء و نویسندگان برجسته معاصر دنیای عرب در ضمن متن دروس عربی نه توجه صرف به یک شاعر، کوتاه کردن متون و پرمحتوا کردن آن از نظر آموزشی و تربیتی و اخلاقی، بیان ارتباط نزدیک در زبان عربی و فارسی و تأثیر و تأثر متقابل این دو زبان از یکدیگر با داشتن حروف هجاء و خط واحد و سوابق فرهنگی و انگیزه‌های مذهبی واحد.

استفاده از وسایل کمک آموزشی نظیر: پوسترهای آموزشی و چارتهای کاغذی و مقوای بزرگ برای صرف افعال و ضمائر، فیلم و پاورپوینت و CD آموزش طراحی شده توسط انتشارات مدرسه یا دفتر تألیف، بهره‌مندی از کتابخانه و نوارخانه در سطح ادارات کل و



ادارات آموزش و پرورش مناطق، داشتن آزمایشگاه زبان عربی و انگلیسی در هر مدرسه، ارائه برخی دروس به صورت نمایشنامه و فیلم، تولید مجله رشد اختصاصی ویژه درس عربی برای دوره راهنمایی و دبیرستان و تجهیز مدارس به مجلات عربی از کارهای دیگری است که می تواند به آموزش این زبان کمک کند. یک دبیر خوب و فعال می تواند از شعر عربی و فارسی برای بیان قواعد جهت تسهیل در امر آموزش استفاده کند نظیر: معارف شش بود مضمیر اضافه / علم ذواللام و موصول و اشاره. استفاده از تجربیات معلمان با سابقه و باتجربه در فنون تدریس عربی و همچنین اهتمام به کتب آموزش زبان عربی در کشورهای عرب زبان منطقه در سطوح ابتدایی می تواند شیوه های تدریس جدیدی را برای معلمان ما به ارمغان بیاورد چراکه مسلماً آنها برای آموزش زبان رسمی و مادری خود پژوهش هایی موثری را انجام داده اند که الهام گرفتن از دستاوردهای آنها می تواند به تسهیل جریان یاددهی - یادگیری در کشور ما بیانجامد.

نتیجه گیری

زبان عربی زبان دین و فرهنگ ما و میراث جاویدان امت اسلامی است. اگر بر این باوریم که گذشته چراغ راه آینده است باید بپذیریم که یادگیری این زبان کلید آشنایی با فرهنگ عظیم اسلامی است. آموزش زبان عربی جایگاهی ویژه را در میان ملل ایجاد نموده است زیرا زبان عربی یکی از زبان های مهم بین المللی می باشد که به پیشرفت فرهنگ و معارف اسلامی و غیراسلامی کمک شایانی می نماید. آموزش و پرورش نیز به زبان عربی بسیار اهمیت داده است چراکه اهداف مهمی را از آموزش و تعلیم آن دنبال می کند و بزرگترین اهداف آن تربیت انسان هایی آشنا به زبان وحی و احادیث پیامبر و ائمه اطهار و ادعیه و دیگر متون مرتبط دینی است. اما یادگیری درس عربی برای اکثر شاگردان ایرانی سخت به نظر می رسد و اغلب دانش آموزان از فراگیری این درس گریزان و خسته اند لذا برای رفع این مشکل ابتدا باید در اولین فرصت کتاب های عربی بهتری را با محتوای جذاب و قواعد صرف و نحو مختصر و مفید تألیف کرد و سپس با فراهم کردن شرایط و امکانات کمک آموزشی از معلمان خواست که در ابتدا با تغییر دادن نگاه دانش آموزان به این درس با تقویت انگیزه های یادگیری در دانش آموزان و با استفاده از روش های فعال تدریس همچون فعالیت گروهی و همیاری، ایفای نقش، یادگیری مکاشفه ای و... دانش آموزان را به هدف غائی یعنی درک و فهم متون دینی نزدیکتر نمایند. بنابراین آموزش و پرورش به زبان عربی اهمیت بسزایی داده است تا جامعه ای پیشرفته از لحاظ فرهنگ و آموزه های تعلیمی دینی داشته باشد تا افراد جامعه با اخلاقیات و رفتارهای شایسته ای نقش آفرینی نمایند.

منابع

- [۱] قرآن کریم، ترجمه الهی قمشهای، خط عثمان طه.
- [۲] آدرتاش آذرنوش، ۱۳۹۴. تاریخ زبان و فرهنگ عربی، سمت، تهران.
- [۳] امیل بدیع یعقوب، ۱۹۸۸. موسوعة النحو و الصرف و الإعراب، الکوهر.
- [۴] بتول محسنی راد و حمیده سروانی، ۱۳۹۸. آموزش زبان عربی و اهمیت آن در آموزش و پرورش، دومین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان و ادبیات.
- [۵] حسن شعبانی، ۱۳۷۱. مهارت های آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس)، سمت، تهران.
- [۶] حمزه گنجی، ۱۳۸۶. روانشناسی عمومی، ساوالان، تهران.
- [۷] حنا الفاخوری، ۱۳۸۷. تاریخ الأدب العربی، توس، تهران.
- [۸] محرم آقازاده، ۱۳۹۴. راهنمای روش های نوین تدریس، آبیژ، تهران.
- [۹] محمدرضا آرن پور، ۱۳۹۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران براساس فهرست موضوعی، نشر چهار درخت، بیرجند.

نشتمین کنفرانس ملی
علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار

6th National Conference on
Humanities and Education With a focus on sustainable development
www.mpconf.ir



- [۱۰] محمود فهیمی حجازی ، ۱۳۷۹. زبان شناسی عربی ترجمه حسین سیدی ، سمت ، تهران.
- [۱۱] منوچهر فضلی خانی، ۱۳۸۲. راهنمای عملی روش های مشارکتی و فعال در فرآیند تدریس، نوین، تهران.